

طالبان "قرآن را همراه با جانماز" آتش زدند

طالبان، بدخشی‌ها را از کندز کوچ اجباری دادند

بیست سال از هجوم و لشکر کشی نیرو های غرب زیر نام محو و نابودی شبکه های تروریستی طالبان، القاعده، و مجازات حامیان ایشان در کشور گذشت. غرب طی بیست سال تمام مصروف غارت گری منابع زیر زمینی (لیتیوم و یورانیوم) و روزمینی (سالانه صد ها میلیارد دالر فقط از سود کشت تریاک، قاچاق و ترافیک مواد مخدر به جیب زده است) بود. طی بیست سال تمام نی تنها که برای نابودی شبکه های تروریستی به تعهدات بین المللی خویش واقعی نگذاشت، بل در رشد، توسعه و گسترش شبکه های تروریستی، بنیادگرایی و افراطیت در افغانستان نقش سترگی را ایفا نموده است.

به همپاری و همبودی پلید ترین چهره های تاریخ قرن معاصر افغانستان، آقایان حامد کرزی- اشرف غنی، دبل عبدالله، و گروپ های وابسته به این سه تن، توانست یکبار دگر به تروریزم جان دهند و آنان را در سرتاسر افغانستان به سان ویروس مهلک کرونا پخش نماید. پس از استراتیژی ای به اصطلاح عقب نشینی های تاکتیکی، یا به قول نخبه ی استخباراتی معلوم الحال خارجی آقای امرالله خان که بتاريخ 17 جون بیرون کشیدن نیرو های دولتی از ولسوالی شینکی ولایت زابل را یک " راز اطلاعاتی" خوانده بود. جالب است که آقای امرالله خان به تاریخ 14 جون نیز در واکنش به گزارش ها در باره سقوط ولسوالی های کشورش گفته بود که «فرب تبلیغات را نخورید». اما امروز آقای صالح خبر دارند که نیروهای دولتی از نزدیک به دوصد ولسوالی " **عقب نشینی تاکتیکی**" کرده و تمامی سلاح ها و مهمات از قبیل ماشین های زرهی و محاربوی، تانک ها، راکت انداز ها، سلاح کوت ها همه و همه در اختیار تروریستان طالب قرار داده شده است؟ طی چند سال اخیری که از شروع نسل کشی ملیت هزاره به وسیله ی طالبان در کشور میگذرد؛ طالبان نسل کشی را در ولایات ترکتباران نیز آغاز کرده اند.

چه عجب! در ولسوالی اندخوی، یکی از پر جمعیت ترین ولسوالی های ولایت فاریاب که نزدیک به نیم میلیون نفوس دارد، طالبان با تصرف این ولسوالی، حدود صد و بیست دکان و مغازه های آن شهر را به آتش میکشند. ساختمان های دولتی را انفجار میدهند، اما جالب اینکه، اقامتگاه آقای شاکر کارگر، مشاور ارشد رییس جمهور غنی را نه تنها تخریب نمیکنند، بل امنیت آن را تامین می کنند.

اما طالبان در کندز



در دوره اول حاکمیت لشکر برونمرزی استخبارات اردوی پاکستان (آی ایس آی) "امارت اسلامی طالبان" در افغانستان 1996، همان طوری که ولایت کهندز یا کندز در شمال کشور بر اساس بافت های اتنیکی و قومی، حضور و تراکم هرچه بیشتر برادران پشتون درین ولا، این ولایت به حیث مرکز رهبری طالبان برای تسخیر شمال نقش براننده ای را ایفا نموده بود. پس از تهاجم امریکا به افغانستان، در حالیکه زمین و آسمان افغانستان در تسلط و کنترل قوای هوایی امریکا بود، انتقال تمامی قوماندانان و رهبران طالبان با مشاورین و جنرال های "آی ایس آی" از کندز به پاکستان به وسیله ی پرواز های منظم طیاره ها صورت پذیرفت.

اما رویکرد طالبان در برابر تاجیکان ساکن در کندز، امروز جدی تر و بد تر از دیروز است.

طالبان، بدخشی ها را کوچ اجباری دادند



قاری سراج الدین وکیل منطقه "باغ شرکت" به بی بی سی می‌گوید: "طالبان در اسپیکرها (بلندگوها) اعلام کردند که تاجیک‌های باغ شرکت دو ساعت وقت دارند تا این محله را رها کنند. اگر رها نمی‌کنند، خانه‌هایشان را تاراج کنید و منازلشان را آتش بزنید. دلیل متواری شدن مردم از این منطقه این بود که ایشان به نیروهای امنیتی افغانستان مواد غذایی کمک کرده بودند و به همین دلیل طالبان آنها را وادار به کوچ اجباری کردند. وکیل گذر باغ شرکت طالبان را به برخورد قومی متهم کرده و می‌گوید "در حالی که مردم مربوط به قوم پشتون و قوم گجر باغ شرکت نیز به اردوی ملی (ارتش) نان و آب کمک کرده بودند، طالبان به آنها مزاحمت نکردند، ولی باشندگان بدخشانی و تاجیکان را از باغ شرکت کوچ اجباری دادند".



قاری سراج الدین ادامه می‌دهد: شماری افراد از سوی طالبان به صورت بیشرمانه و وحشیانه لت و کوب شدند، "دو مرد غیرنظامی و یک طفل شش ماهه در اثر لت و کوب زیاد جان باختند و حدود ۴۰۰ خانواده بدخشانی مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند".

به گزارش بی بی سی، در نوار ویدیویی که به گستردگی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، یکی از بی‌جاشدگان باغ شرکت ادعا می‌کند که او در آنجا دارالحفاظی برای آموزش قرآن داشته و به یک حافظ قرآن دستمزد می‌پرداخته تا برای کودکان این محل قرآن آموزش بدهد، اما جنگ جویان تحت نام طالبان "قرآن را همراه با جانماز" آتش زدند.

او می‌گوید مادرم به این جنگجویان گفت "داخل اتاق قرآن کریم است، اما آنها گفتند ما قرآن شما بدخشانی‌ها را قبول نداریم".



این خبر در حالیست که رسانه های رسمی و غیر رسمی حاکمیت اشغالی، تا کنون، هیچ کدام در مورد آواره شدن اجباری بیشتر از چهار صد فامیل از هموطنان بدخشی اصلا خبری را به دست نشر نسپرده اند. این خود نمایانگر آرزو و امیال جمهوری فاشیستی سه نفره و قدرت و تسلط شبکه های اطلاعاتی خارجی بر میدیای داخلی در همکاری و همیاری حکومت تمامیت خواه پوشالی مزدور به رهبری اشرف غنی فاشیست است.

قیام های مردمی نی تنها بر ضد طالبان، بل بر ضد حاکمیت فاشیستی تمامیت خواه اشرف غنی نیز بایستی سازمان داده شود. مراکز آموزشی همچو حزب التحریر، مدرسه های مذهبی در کل که به حمایت پولی سعودی، پاکستان و ایران ایجاد شده است، با اعضای حزب و اسلامی و وهابی های معلوم الحال، باید مسوولین آمان جدا تحت نظارت قرار گیرند. طالبان باید از شمال، شما غرب، مرکز و غرب و جنوب ریشه کن شوند.

حاکمیت متمرکز فاشیستی امروزی بایست به یک حاکمیت مردمی، غیر متمرکز و یا فدرالی تغییر یابد. تا تمامی ملیت های باهم برادر ساکن در کشور به آرزو ها و امیال حیاتی شان برسند.